

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی
۳۰ اپریل ۲۰۲۲

هشتاد و نهمین جلسه دادگاه حمید نوری در ستهلم!

هشتاد و نهمین جلسه دادگاه حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷، پنجشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۲۹ آوریل ۲۰۲۲، در سالن ۳۷ دادگاه بدوی ستهلم برگزار شد و دادستان‌ها به ادامه صحبت درباره ادله اثباتی پرداختند.

در این جلسه دادگاه حمید نوری، بن هسلبری و گیتا هدینگ وایبری، شاکیان و شاهدان دادگاه رسیدگی به پرونده حمید نوری، خواستار صدور حکم حبس ابد و پرداخت خسارت مالی به خانواده قربانیان شدند.



خانواده حمید نوری
با عکس قاسم سلیمانی و
خامنه‌ای در دادگاه

خانواده حمید نوری مانند همیشه در مقابل خبرنگاران و حاضران در دادگاه با چهره‌ای خندان ظاهر می‌شوند، این بار و در جلسه ارائه کیفرخواست نهایی از سوی دادستان‌های پرونده، عکسی از قاسم سلیمانی و علی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی در دست داشتند.

یک روز پس از آنکه دادستانی سویدن برای حمید نوری درخواست حبس ابد کرد، وکلای شاهدان و شاکیان نیز خواستار اشد مجازات برای و همچنین پرداخت غرامت و دیه شدند.

در جلسه روز گذشته، دادستان حمید نوری را فردی «خطرناک» خواند و گفت او پس از پایان جلسات دادگاه تا زمان اعلام حکم نباید موقتاً آزاد شود. او بنابر دو اتهام انتسابی جنایت جنگی و قتل عمد، برای متهم درخواست حبس ابد و اشد مجازات کرد.

حمید نوری کشتار زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ را انکار می‌کند و آن را «ساختگی و جعلی» می‌داند. بنابر کیفرخواست، دادستانی سویدن می‌گوید زندانیان سیاسی محبوس در گوهردشت، در دو مقطع اعدام شدند: در موج اول در (مردادماه ۱۳۶۷) اعضای سازمان مجاهدین خلق و در موج دوم (شهریورماه) هواداران سازمان‌های چپ. دادستان زندان همچنین گوهردشت را به «کارخانه کشتار» تشبیه کرد و گفت متهم (حمید نوری) با علاقه در این «کارخانه» کار می‌کرد و در کشتار زندانیان سیاسی نقش داشته است.

بن هسلبری و گیتا هدینگ وایبری دو تن از وکلای شاکیان و شاهدان امروز در دادگاه با توجه به آسیب‌های روانی و جسمی برای موکلان‌شان خواستار پرداخت غرامت شدند.

وکلای شاهدان، هم بنابر قوانین بین‌المللی خواستار پرداخت غرامت (خسارت معنوی ناشی از آسیب‌های جسمی و روحی) شدند و هم بر مبنای قوانین داخلی ایران خواستار پرداخت «دیه» شدند.

دو وکیل دیگر شاهدان نیز در روزهای آینده آخرین اظهارات خود را بیان خواهند کرد.

بنکت هسلبری در آغاز توضیح داد که چگونه با اعمال رفتارهای غیرانسانی نسبت به موکلینش در دوره‌های متفاوت، از آن‌ها سلب آزادی شده است. او گفت نوجوانی این افراد از آنها گرفته شده. آن‌ها (نوری و همکارانش) زخم‌های عمیقی در زندگی موکلین او ایجاد کرده‌اند؛ زخم‌هایی که بهبود نخواهند یافت. بسیاری از این افراد به اجبار به روان‌شناس مراجعه کرده‌اند و بسیاری همچنان از استرس و تراماهای آن دوران زجر می‌کشند.

بنکت هسلبری توضیح داد که موضوع فراموشی یا تشویش خاطرات در ذهن زندانیان باقی مانده از آن اعدام‌ها مسئله‌ای بسیار طبیعی است؛ واکنشی طبیعی که مرور زمان نیز آن را جدی‌تر می‌کند.

بنکت هسلبری گفت: براساس حکم «ان.جی.ای» صادره از دیوان عالی سویدن، تحقیقات مقدماتی بخشی از جلسات دادگاه نیستند. بنابراین نباید همه موضوعاتی که شاکیان یا شاهدان این پرونده در بازجویی‌های اولیه گفته شده‌اند کاملاً با شهادت‌ها یکی باشند.

وی گفت مسئله مهم اثبات هویت حمید نوری به‌عنوان «حمید عباسی» است که همه شاهدین و موکلین ما این را تایید کرده‌اند.

بنکت هسلبری توضیح داد که افراد جان بدر برده از اعدام‌ها با وجود تمام تفاوت‌ها، در دو چیز اشتراک دارند:

*تراما و استرس‌های ناشی از زجرها و شکنجه‌ها و رفتارهای غیرانسانی.

*عذاب وجدان نسبت به رفقا و هم بندها و زندانیان اعدام شده.

بنکت هسلبری در مورد غرامت یا همان دیه توضیحات مبسوطی داد و اختلاف بین قوانین سویدن با قوانین اسلام مخصوصاً با بخش‌هایی که براساس شریعت تنظیم شده را برشمرد.

وی ادامه داد: براساس قانون دادرسی سویدن از سال ۱۹۶۹ می‌توان قوانین کشوری خارجی را نیز در صدور حکم در نظر گرفت.

وی گفت این موضوع چالشی مهم برای این دادگاه می‌شود. در این پرونده تطبیق قوانین دو کشور سویدن و ایران کاری سخت و احترام به قوانین ایران نیز مهم است. وی در مورد غرامت بازماندگان گفت که براساس قوانین ایران میزان دیه یا غرامت بازماندگان سالانه توسط بانک مرکزی ایران تعیین می‌شود و در این پرونده این میزان براساس نرخ اعلامی این بانک در سال ۲۰۲۱ برآورد شده است.

بنکت هسلبری در ارائه دفاعیه خود به چند مورد از شهادت‌های موکلینش اشاره کرد. وی برای مثال گفت حمید نوری ادعا کرده که تنها در زندان اوین کار کرده، اما حسن گلزاری یکی از جان بدربرندگان از اعدام‌ها شهادت داده است که هرگز در اوین نبوده و تنها در زندان گوهردشت و زندان قزل‌حصار نگهداری شده. گلزاری شهادت داده که حمید نوری را در بیست و چهار و بیست و پنج مرداد حتی چندین بار بدون چشم‌پند در زندان گوهردشت دیده است. حسن گلزاری در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۷ -خیلی پیش‌تر از دستگیری نوری- گفته است که حمید نوری یکی از روسای زندان گوهردشت بوده است.

بنکت هسلبری در مورد تناقض در موضوع محل نگهداری و اعدام مجید ایوانی توضیحاتی داد. وی گفت هشت شاهد تایید می‌کنند که مجید ایوانی در زندان گوهردشت بوده است و در نهم مرداد ۶۷ در همان زندان اعدام شده است. وی معتقد است گواهی فوتی که وکلای مدافع حمید نوری در مورد مجید ایوانی به دادگاه ارائه داده‌اند، فاقد اعتبار است و واقعی نیست. این گواهی فوت از سوی مقامات ایران صادر شده است.

بنکت هسلبری سپس با اشاره به ادله کتبی گفت:

«وکیلان مدافع حمید نوری گفتند ویدا در اظهارات خودش در ایران تریبونال گفته است که مجید در اوین اعدام شده است و بنابراین نمی‌بایست در این کیفرخواست می‌آمده و باید باطل اعلام می‌شده است. ما در مورد این ماجرا از ویدا پرسیدیم و او گفت که هنگام وقوع این ماجرا (اعدام‌های ۶۷) در سویدن بوده و مجید در ایران زندانی. وقتی او از ایران خارج شده مجید در زندان اوین بوده و او از طریق مادر خودش از مادر مجید درباره مجید خبر می‌گرفته است؛ با تماس تلفنی. این مادر ویدا بوده که به او گفته مجید در زندان اوین اعدام شده است اما او بعداً متوجه شده که این اطلاعات اشتباه بوده و از طریق هم‌بندی‌های مجید فهمیده که او در گوهردشت اعدام شده است.

توضیح بعدی بنکت هسلبری در مورد بیژن بازرگان بود که در سن بیست و سه سالگی در چهاردهم جولای ۱۹۸۲ دستگیر شده. به بیژن حکم ده سال زندان دادند. هسلبری تاکید کرد که یک شاکی و چهار شاهد تایید کرده‌اند که بیژن بازرگان در ایام اعدام‌ها در زندان گوهردشت بوده است. در گواهی فوت او دلیل مرگ نوشته نشده، اما تاریخ فوت پنجم شهریور ذکر شده است. وکیل توضیح داد که مدرک این قسمت در دادگاه حمید نوری در کتاب ایرج مصداقی هم آمده است.

بنکت هسلبری، وکیل مدافع تعدادی از شاکیان موضوع تلفن‌های پاک شده توسط متهم در شب پیش از سفرش به سویدن را یکی از مهم‌ترین مدارک این پرونده دانست. مدارک تلفن‌های پاک شده توسط نوری در کیفرخواست دادستان به دو صورت کتبی و شفاهی آمده و به «کیفرخواست الحاقی» یا «پروتکل ۱۶» معروف است.

هسلبری تاکید کرد: «تلفن حمید نوری معدن طلاست!»

بنکت هسلبری گفت نمی‌دانم تلفن او چرا سیم کارت ندارد. در لیست تلفن‌های پاک شده توسط متهم به تلفن مقاماتی برمی‌خوریم که نقش مهمی در شکنجه‌ها و اعدام‌ها داشته‌اند. تلفن شخصی نیری، ناصریان، محافظین آن‌ها و البته رئیسی. حمید نوری ادعا کرده که منظور از رئیسی، ابراهیم رئیسی نیست. هسلبری از پیامک‌هایی گفت که حمید نوری به مبشری زده است. مبشری جانشین نیری در هیات مرگ بوده است.

وی پاک کردن شماره این افراد را تایید کرده است. او دلیل این کار را کنجکاو‌های هیرش صادق ایوبی، دامادخوانده خود عنوان کرده است.

بنکت هسلبری در این بخش با به چالش کشیدن دلیل متهم برای پاک کردن برخی تلفن‌های حساس در گوشی تلفنش گفت: «متهم می‌توانست به جای رفتن نزد هیرش، دامادخوانده کنجکاوش به منزل دخترخوانده‌اش که از هیرش جدا شده بود، برود. چرا نرفت؟ متهم می‌توانست تلفن یا سیستم یا سیم کارت‌ش تلفنش را عوض کند. متهم ترجیح می‌دهد که به جای همه این کارها، تنها شماره‌ها را پاک کند.»

بنکت هسلبری در ادامه توضیح موضوع تلفن دستی نوری دو سوال مهم را مطرح کرد: نخست این‌که اصولاً چرا هیرش به افراد علاقمند بوده است؟ و دوم این‌که چرا حمید نوری مایل است تا تنها این آدم‌های خاص را حفاظت کند، نه دیگران را؟ این وکیل در ادامه گفت: «این رفتاری واقعا عجیب است. این ثابت می‌کند که حمید نوری به اتفاقات ۶۷ ارتباط دارد.»

بنکت هسلبری گفت شاهدان و موکلین او نه از روی منفعت مالی و نه از روی تنفر در این دادگاه شرکت کرده‌اند. وی گفت داستان مواجهه متهم با شخصی به‌نام «حمید عباسی» در زندان گوهردشت یک داستان کاملاً ساختگی و غیرقابل باور است. وی گفت حمید نوری درباره تاریخ مرخصی ادعایی خود و عدم حضور در زندان در دوران اعدام‌ها ضد و نقض صحبت کرده است. حمید نوری پیش‌تر در دفاعیات خود ترجمه غلط از بازجویی‌هایش را دلیل این تناقضات عنوان کرده است.

بنکت هسلبری اعلام کرد که با در نظر گرفتن گفته‌های حمید خلاق دوست در مجموع سی و سه نفر علیه متهم دادگاه شهادت داده‌اند. از بین این تعداد یازده نفر قسم خورده‌اند که حمید نوری در راهروی مرگ بسیار فعال بوده است. بنکت هسلبری از طرف موکلینش خواست تا با توجه به تمام ادله کتبی و شفاهی و تمامی مندرجات پرونده، حمید نوری به‌خاطر اعمال مجرمانه‌اش توسط دادگاه سویدن محکوم شود.

گیتا هدینگ واربری، دومین وکیل مدافع شاکیان پرونده بود که در این جلسه به نمایندگی از موکلینش دفاعیه نهایی خود را به دادگاه ارائه داد. این وکیل نخست به موضوع هشدار وزارت خارجه سویدن در روز گذشته نسبت به سفر شهروندان به ایران اشاره و آن را دلیلی بر تایید شرایط سخت در ایران و نقض حقوق بشر در آن توصیف کرد. گیتا هدینگ واربری نیز مانند هسلبری برای ارائه دفاعیه خود به توضیح شهادت‌های چند موکل خود پرداخت. از جمله، نصرالله مرندي که در ۲۱ سالگی به جرم هواداری از سازمان مجاهدین دستگیر شد. وی گفت: «۱۵ سال حبس برایش بریدند. کپی مدارکش در پرونده است. او از ۶۱ تا ۷۰ زندان بود. ۶۵ تا ۶۷ در زندان گوهردشت بوده است. در دوران اعدام‌ها سه بار به راهروی مرگ رفته است. پانزدهم- بیست و دوم و بیست و پنجم مرداد در مقابل هیات مرگ از جمله نیری قرار گرفت. وی خیلی‌ها را دیده که دیگر بازنگشته‌اند. وی شاهد خواندن اسامی توسط حمید نوری بوده است. وی شاهد انتقال زندانیان برای اعدام توسط او بوده است. آن‌ها هرگز بازنگشتند. نصرالله مرندي هویت حمید نوری را بعنوان حمید عباسی کاملاً تایید می‌کند.»

گیتا هدینگ واربری گفت: «حسین فارسی یکی از موکلین من است که در اردوگاه اشرف در آلبانی بوده است. او در هجده سالگی دستگیر شده است. او هوادار مجاهدین بود. چهار سال زندان بوده، آزاد و بلافاصله مجدداً دستگیر می‌شود. نه سال حبس تعزیری می‌گیرد و در سال ۷۲ آزاد می‌شود. او یک‌سال - از بهمن ۶۶ تا بهمن ۶۷ - در زندان گوهردشت بوده است. وی چهار بار به راهروی مرگ منتقل شد و دو بار در مقابل هیات مرگ قرار گرفت. او کتابی نیز نوشته که در میان ادله کتبی دادگاه قرار دارد. در خاطرات خود نوشته که در هشتم، بیستم و یکم مرداد به

راهروی مرگ منتقل شده است. وی در تمام این دفعات یا حمید نوری را شخصا دیده یا صدای او را شنیده است. وی دیده که ناصریان اسامی زندانیان را اعلام و حمید نوری و فرج آن‌ها را کنترل می‌کنند. وی شاهد انتقال زندانیان برای اعدام توسط حمید نوری به سمت حسینیّه بوده است. وی از عباسی شنیده که امروز عاشورای مجاهدین است.»

درباره موکلینش که در واقع فامیل‌های اعدام‌شدگان هستند نیز مورد جعفر میرمحمدی برنجستانی برادر عقیل را برای دادگاه توضیح داد. وی گفت که جعفر خود تحت تعقیب بوده و قادر به رفتن به زندان اوین نبود و از ایران خارج شد. وی شهادت داده که براساس گفته‌های پدرش، جعفر را در بهار ۶۷ به گورداشت منتقل می‌کنند و اجازه ملاقات به پدرش نیز نمی‌دهند. خانواده وسایل عقیل را بعداً تحویل گرفتند. به عقیل گفتند که پسرت منافق بوده و ما به‌خاطر فتوای خمینی او را اعدام کردیم. این وکیل توضیح داد که حسین فارسی و مجید اتابکی هر دو با عقیل در یک زندان بودند و هم‌زمان با او به گورداشت منتقل شدند. آن‌ها قبلاً به جعفر گفته بودند که هر سه آن‌ها را در زندان به‌شدت کتک زده‌اند. مجید اتابکی نیز فکر می‌کند عقیل را پانزدهم یا هجدهم مرداد برای اعدام برده‌اند.

گیتا هدینگ واربری درباره دلایل برخی تفاوت‌ها در روایت‌های شاهدان گفت:

*تاریخ اتفاقات سی سال پیش بوده و نقش حافظه در این میان مهم است.

*بازجویی‌هایی که غالباً یک‌بار انجام شده، به شاهدان داده نشده و مورد تاییدشان نیز قرار نگرفته.

*اشتباهات صورت گرفته در ترجمه‌ها.

*چیزهایی که گفته شده، اما ترجمه نشده.

*تفاوت‌های فرهنگی ایران و سویدن.

گیتا هدینگ واربری، وکیل تعدادی از شاکیان یا خانواده‌هایشان در بخشی از دفاعیه خود گفت: «زجری که بازماندگان کشیده‌اند و اضطراب آنها در راهروی مرگ به هیچ عنوان قابل توصیف نیست.» گیتا هدینگ واربری درباره متهم گفت برای ما (وکلائی مدافع شاکیان) ثابت شده کارهایی که متهم پرونده انجام داده، مجرمانه بوده است. وی علیه حقوق بشر عمل کرده.

این وکیل گفت: «گاهی گوش کردن و هضم این شهادت‌ها برای‌مان مشکل بود و نمی‌دانستیم چگونه این کار را بکنیم.»

وی از دادگاه سویدن صدور حکم محکومیت حمید نوری، متهم پرونده را تقاضا کرد.

با آغاز جلسه در نوبت بعدازظهر، وکیل مشاور، یوران یالمارشون، به بیان توضیحات خود درباره پرونده پرداخت. وی در گفت‌وگویی با قاضی ساندرو گفت که یک دستیار فنی به او کمک خواهد کرد. یالمارشون گفت به محض پایان دفاعیه‌اش آن را برای دادگاه ایمیل خواهد کرد. او سپس نحوه ارائه خود را توضیح داد و گفت که به خطمشی وکیلان مدافع حمید نوری هم خواهد پرداخت. او در ادامه گفت:

«من کمی هم درباره کسانی صحبت خواهم کرد که اول به‌عنوان شاکی به دادگاه معرفی شدند و بعد نقش‌شان به شاهد تغییر پیدا کرد.»

این وکیل مشاور گفت که در لایحه‌اش درباره نقش حمید نوری در اعدام‌ها هم صحبت خواهد کرد. یالمارشون در ابتدا - چنانکه وعده کرده بود- درباره حافظه و نقش آن در شهادت شاهدان صحبت کرد و گفت:

«... خطمشی وکیلان مدافع که می‌دانم از لحاظ قانونی و حقوقی اعتراض دارند که حرف‌ها تناقض دارد ... دومی‌اش این است که گفتیم شرایط اساسی و عامل‌هایی که روی شاهدها تأثیر گذاشته و آنچه پشت پرده است که اظهارات‌شان این‌گونه شده، چیست؟ باورپذیر بودن و قابل اعتماد بودن اظهارات را هم بررسی می‌کنیم و سپس درباره موکلانم صحبت می‌کنم ...»

وکیل مشاور، یوران یالمارشون، در ادامه اظهاراتش گفت:

«این پرونده شرایط ویژه‌ای دارد. زنده پخش می‌شود و کتاب‌های زیادی هم درباره زمان و نحوه وقوع ماجراهای آن نوشته شده است؛ کشتار و قتل عام (دسته‌جمعی). حمید نوری در این پرونده یک شخص آشناست و همه او را می‌شناسند؛ هم از اوین و هم از گوهردشت. او را به راحتی می‌توانند شناسایی کنند ... این افراد زجر کشیده‌اند از اضطراب از مرگ. بحث غرامت مطرح شد این‌جا. ... حالا برویم سراغ این‌که این پرونده چه نوع پرونده‌ای است. برویم سراغ موارد مشابه. یک مورد می‌تواند پرونده پالمه باشد که استناد می‌کند به گزارش «برلین» (اسم است) و می‌گوید بسیار محتاط باشیم وقتی که می‌خواهیم یک شخص را شناسایی بکنیم، به‌خصوص اگر آن فرد را نمی‌شناسند. از قبل این یک پرونده آشنا برای سویدنی‌هاست و برمی‌گردد به لیزبت پالمه، همسر اولاف پالمه که فردی را به‌عنوان ضارب شناسایی کرده بود با وجود این‌که مدت زیادی از زمان تیراندازی نگذشته بود. اما افرادی که ما این‌جا داریم، یک لحظه کوتاه فرد متهم را ندیده‌اند بلکه سال‌ها با هم زندگی کرده‌اند و به همین دلیل مشکلی که آن‌جا بروز کرده، اینجا نمی‌تواند وجود داشته باشد...»

یالمارشون سپس تفاوت‌های شناسایی افراد متهم را در مقایسه پرونده حمید نوری و پرونده جنایت روستایی در کوزوو توضیح داد و گفت در کیس کوزوو شاهدان تنها مدت کوتاهی متهم را دیده بودند و ناشناس بوده و عفو بین‌الملل و دیگر سازمان‌های حقوق بشری عکس متهم را به شاهدان نشان دادند. یوران یالمارشون توضیح داد که کیس کوزوو خیلی متفاوت است با کیس حمید نوری چون شاهدان بارها او را دیده‌اند و فرد ناشناسی نبوده و اشاره کرد مورد کوزوو تنها موردی است که به این دلیل خاص متهم تیرئه شده است.

در مورد پرونده ماجرای کوزوو، وکیل مشاور همچنین توضیح داد که فرد معرفی شده به‌عنوان متهم به این دلیل تیرئه شده است که عکس او میان روستاییان پخش شده بوده، در حالی که او مدت کوتاهی در این محل بوده، افراد او را نمی‌شناخته‌اند و صورتش هم نقاشی شده بوده.

یوران یالمارشون گفت که این مورد از اساس با ماجرای حمید عباسی (حمید نوری) متفاوت است چون زندانیان از قبل او را می‌شناخته‌اند و حتی نامش در برخی اسناد از جمله کتاب ایرج مصداقی از مدت‌ها پیش از دستگیر شدن و بازداشتش در سویدن ذکر شده بوده. او مقایسه این دو وضعیت و این دو پرونده را غلط و نادرست دانست.

یوران یالمارشون در ادامه به رابطه حافظه و شهادت بر اساس صحبت‌های کارشناسی که قبلاً در دادگاه شهادت داده است پرداخت و گفت بر اساس نظر این کارشناس، گاهی تروما باعث می‌شود به جای فراموشی یک حادثه، آن حادثه بیشتر در ذهن ماندگار شود.

یالمارشون همچنین از شیوه دفاع وکیلان نوری انتقاد کرد و گفت آن‌ها سعی کردند همه چیز را زیر سوال ببرند:

«حتی یک کاما را هم زیر سوال بردند و به جزییات غیر مهم گیر دادند.»

این وکیل مشاور همچنین توضیحاتی درباره تناقض‌های موجود در صحبت‌های شاهدان در بازجویی پلیس و در دادگاه داد.

یوران یالمارشون توضیح مبسوطی در مورد صحت شهادت شاکیان و مدارک و اسنادی که علیه حمید نوری وجود دارد، داد و گفت بر اساس مدارک، شکی نیست نوری همان فرد متهم است.

نوری در همین حین محکم با مشت به سرش زد و با افسوس سرش را تکان داد. بعد دوباره دو دستی بر سر خود کوبید.

یوران یالمارشون، وکیل سارا روزدار، خواهر عادل روزدار، از اعدامشدگان سال ۶۷ است و گفت خواهر او نامه‌ای به پلیس ارائه داده که نشان می‌دهد بردارش در گورهدشت زندانی بود. او گفت علاوه بر این مهدی اصلانی و امیر هوشنگ اطیابی هم عادل روزدار را می‌شناخته‌اند.

یوران یالمارشون همچنین گفت ایرج مصداقی بعد از ۱۰ سال از زندان آزاد شده و مطالبی را که در مورد اعدام‌ها نوشته توسط دادستان‌ها هم بررسی و تایید شده‌اند. همچنین گفت بحثی نمانده که حمید نوری همان «حمید عباسی» است و مصداقی از رفتارها و کارهای نوری جزئیات زیادی بیان کرده است.

یوران یالمارشون در ادامه اظهاراتش به موارد تاثیرگذار بر شهادت شاهدان و نتیجه‌گیری از شهادت‌ها اشاره کرد و گفت:

«... مسلماً بسیاری از شاکیان و شاهدان مبتلا به سندروم استرس پس از بحران شده‌اند و فراموش کردن برایشان بسیار سخت است. این پرونده ما که حمید نوری در آن چندین بار در طی سال‌های مختلف دیده شده، مسلماً فراموش کردنش سخت‌تر است. قسمت‌های مرکزی و محوری‌ای هست که من می‌خواهم مطرح کنم در مورد باور کردن و قابل اعتماد بودن اظهارات. باید نگاه کرد که وقتی این افراد تعریف می‌کنند، آیا حرف‌ها واقعا حرف‌ها و تجربیات شخصی هستند و از صمیم قلب بیرن می‌شوند؟ همه این افراد که آمدند و اینجا صحبت کردند، همگی از صمیم قلب داشتند می‌گفتند. درباره شخص حمید نوری، وظایف کاری او، اعمالش در طی اعدام‌ها، کارهایش در راهروی مرگ و غیره. وقتی آن‌ها او را در سالن دادگاه نشان می‌دادند، درباره کسی صحبت می‌کردند که در زندان گورهدشت کار می‌کرده و در این زندان دادیار بوده است. آن‌ها مخصوصاً او را از دوران اعدام‌ها می‌شناخته‌اند. یک‌عده فقط گفتند که او را در دوران اعدام‌ها دیده‌اند و گفته‌هایشان را محدود کردند به این دوران. خیلی هم دقیق گفتند که کدام موارد دیده‌های خودشان است و کدام موارد را شنیده‌اند و نقل قول می‌کنند.»

یوران یالمارشون، وکیل مشاور شماری از شاکیان در ادامه اظهاراتش در دادگاه حمید نوری گفت:

«به تمام افراد یادآوری شد خیلی دقیق باشند تا مشخص شود چه چیزی را دیده‌اند و چه چیزی را شنیده‌اند. به این واسطه آنچه شاهدان گفتند کاملاً دقیق و قابل باور است و هیچ چیز عجیب و غریبی نگفتند. یک چیزی هم می‌خواهم بگویم. بعد از ارائه کیفرخواست از سوی دادستان‌ها در روز اول، ایرج مصداقی آمد پیش من و گفت که در یک موردی اشتباه شده و بعد در صبح روز دوم دادستان‌ها آن را تصحیح کردند. این چیزی بود که به نفع حمید نوری هم شد؛ آن‌جا که ادعا شده بود ایرج مصداقی بوده در حالی که ایرج مصداقی در آنجا نبوده است. دیگر اینکه افراد بدون اغراق درباره لحظات حساس و تعیین‌کننده صحبت کردند در حالی که اگر قصد داشتند حمید نوری را بی‌گناه محکوم کنند، قاعدتاً باید در حرف‌هایشان اغراق می‌کردند و خیلی بیشتر از این‌ها می‌گفتند. الان اظهارات این افراد خیلی شبیه به هم است. مثلاً محمود رویایی و ایرج مصداقی، خاطره‌شان از یک روز خاص با هم فرق می‌کند؛ یعنی روزی که جلسه هیات مرگ برگزار شده است. این یک چیز می‌گوید و آن یک چیز دیگر در حالی که اگر قرار بود با هم کنار آمده باشند هر دو باید به یک روز اشاره می‌کردند. بعد هم می‌خواهم بگویم که اگر شاکی یا شاهد صحبت کردی که یادش نمی‌آمده و بعد معلوم شده بخشی از حرف‌های او درست نبوده یا تناقض داشته، این به آن معنا نیست که تمام حرف او درست و باور کردنی نیست. یعنی نمی‌شود گفت بقیه حرف‌های او باور کردنی نیست چون یک جایی از حرف‌های او اشتباه بوده است. و در پایان این قسمت باید بگویم همین دوشنبه پیش بود که نظر دکتر (پیام اخوان) را گرفتیم و یادتان هست که وی دادستان ایران تریبونال بوده؟ وی به ما گفت ۹۰ نفری که از آنان بازپرسی شده بوده، همگی حرف‌هایشان باورپذیر و قابل اعتماد بوده و حقیقت را می‌گفته‌اند. این حرف‌های او بود و استنتاج من، قبل از این‌که برویم سراغ موکلان من این است:

ادعاهای احتمالی برای از بین بردن اعتبار شهادت شاهدان بی‌خود است و مبنایی ندارد. دادستان‌ها کاملاً مطمئن هستند و تضمین کرده‌اند که تحقیقات مطابق قانون انجام شده است. مدارک اثباتی هم درست ثبت شده‌اند. درباره حمید عباسی و نقش او هم تا پیش از برگزار شدن این دادگاه کلی مقاله و مطلب نوشته شده است.»

یوران یالمارشون سپس با ارائه توضیحاتی به مورد عادل روزدار در ارتباط با موکلش سارا روزدار پرداخت و گفت: «عادل روزدار خلاف عرف و مقررات بین‌المللی اعدام شده است. دادستان‌ها تضمین کردند و نتیجه تحقیقات ما هم همین را نشان می‌دهد که عادل روزدار در همین دوره زمانی در زندان گوهردشت اعدام شده است. او احتمالاً روز ۲۸ آگوست اعدام شده است. یک حکم شش ساله به او داده بودند و او هوادار حزب توده بوده است. نکته جالب این است که سارا روزدار نامه و عکس‌هایی به پلیس سوئد تحویل داده که نشان می‌دهند و کاملاً تأیید می‌کنند که عادل روزدار در زندان گوهردشت زندانی بوده است. عادل از جمله نوشته است که بر سر عقیده و موضع ایدئولوژیک خودش هست و ما الان می‌دانیم چه بر سر کسانی آمده که بر سر موضع خود ایستادگی کرده‌اند. آخرین نامه عادل درست قبل از اعدام‌های جمعی بوده و چند نفر هم وجود دارند که تأیید کرده‌اند عادل در بازه زمانی مورد نظر در گوهردشت بوده؛ از جمله مهدی اصلانی...»

یوران یالمارشون در ادامه اظهارات خود به شهادتی اشاره کرد که عادل روزدار را در زندان گوهردشت دیده‌اند و تأکید کرد که در مورد تأیید اعدام او با دادستان‌ها هم‌سو و هم‌نظر است. او سپس گفت:

«در مورد غرامت هم باید بگویم که نمی‌خواهم صحبت‌ها در مورد این موضوع را تکرار کنم.»

یوران یالمارشون در فراز بعدی ادامه داد:

«برویم سراغ ۱۱ جان به در برده‌ای که من وکیلشان هستم و برایتان از آن‌ها بگویم. با ایرج مصداقی شروع می‌کنم و با محمود رویایی تمام. ایرج مصداقی پس از ۱۰ سال حبس از زندان آزاد شد. حکم او هم ۱۰ سال حبس بوده. با حرف‌های ایرج ثابت شده است که اعدام‌ها در بازه زمانی مورد نظر دادستان‌ها اتفاق افتاده است. حرف‌های ایرج در دادگاه بعضاً در تمام کتاب‌هایی که نوشته، آمده است. این هم اثبات شده است که حمید عباسی همان حمید نوری است و تردیدی در آن نیست. ایرج، حمید عباسی را چنین توصیف کرده که از پاسدار تبدیل شده است به دادیار. این‌که نوری چه‌قدر شدت عمل داشته و بی‌رحم بوده از سوی ایرج مطرح شده. این‌که او در راهروی مرگ بوده و مدام در حال رفتن به اتاق هیات مرگ ... برو بیا، برو بیا ... حمید نوری با کارهایی که کرده، مشارکت داشته در اعدام‌های گوهردشت و همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، یا معاون دادیار یا مسئولی زیر دست ناصریان. مشخص شده که حمید نوری نقش بارزی در اعدام‌ها داشته است. ایرج مصداقی می‌گوید که لشکری اول انتخاب می‌کرده و بعد ناصریان و نوری آن‌ها (زندانیان) را برای اعدام رده‌بندی می‌کرده‌اند. خود ایرج را چهار بار نزد هیات مرگ برده‌اند. او واضح تعریف کرد که چه شد و چه نشد ... حمید نوری اسم زندانیان را می‌خوانده که قرار بوده است به محل اعدام برده شوند. او می‌گفته ببریدشان به بند و ما حالا می‌دانیم ببریدشان به بند یعنی چه ...»

با پایان این بخش از صحبت‌های وکیل مشاور، یوران یالمارشون، قاضی به -به او پیشنهاد داد که ۱۵ دقیقه تنفس اعلام کند اما یالمارشون گفت ترجیح می‌دهد کمی بیشتر ادامه بدهد و تنفس کمی دیرتر اعلام شود. او سپس به اظهارات مهدی برجسته گرمرویی پرداخت و بخش‌های مهم در شهادت او را برجسته و پررنگ کرد. با پایان صحبت‌های یوران یالمارشون درباره شهادت مهدی برجسته گرمرویی و موارد مواجهه او با حمید نوری در دوران زندان، دادگاه با اعلام قاضی توماس ساندر وارد تنفس ۱۵ دقیقه‌ای شد.

پس از پایان زمان تنفس، وکیل مشاور یوران یالمارشون به شهادت همایون کاویانی پرداخت و گفت که او در زمان دستگیری تنها ۱۷ سال داشته است. یالمارشون با ذکر برخی جزئیات شهادت همایون کاویانی، موارد برخورد او با حمید نوری را شرح داد و گفت همایون کاملاً مطمئن بوده است حمید نوری هم وقتی او به سالن دادگاه آمده، او را شناخته است...

این وکیل مشاور موارد مهم در ارتباط با حمید نوری را در شهادت سیامک نادری به هیأت ریسه دادگاه ارائه داد. شاهد بعدی که وکیل مشاور، یوران یالمارشون اعلام کرد موکل اوست و نکات مهم شهادتش را ارائه کرد، محسن اسحاقی بود. مهدی و منوچهر اسحاقی، برادران محسن هم زندانی بوده‌اند و از شاکیان این پرونده‌اند. آن‌ها دایی‌شان اعدام شده است.

یوران یالمارشون سپس به شهادت موکل دیگرش، مسعود اشرف سمنانی پرداخت و او را اولین نفری معرفی کرد که در این تحقیقات از او بازپرسی شده است. این وکیل مشاور، سال دستگیری و آزاد شدن اشرف سمنانی را گفت و در ادامه اظهاراتش، موارد برخورد او با حمید نوری را برجسته کرد و گفت او چندین بار حمید نوری را حتی بدون چشم‌بند دیده است و دو بار هم در برابر هیأت مرگ قرار گرفته است که همین باعث شده به سندروم استرس پس از فاجعه مبتلا شود. او گفت برادر همسر اشرف سمنانی هم اعدام شده است.

یوران یالمارشون در ادامه درباره این‌که چرا نام حمید عباسی از سوی مسعود اشرف سمنانی در تریبونال ایران مطرح نشده، فشار و استرس را یک دلیل دانست و اشاره به جایگاه ناصرین را دلیل دیگر:

«ناصرین در جایگاه اول قرار گرفته و عباسی زیر سایه او رفته است.»

یالمارشون در ادامه صحبت‌های خود به شهادت احمد ابراهیمی پرداخت و صحبت‌هایی که او درباره حمید نوری کرده بود را برجسته کرد.

به گفته یوران یالمارشون، وکیل مشاور، احمد ابراهیمی کسی است که گفت شنیده و دیده در دوران اعدام‌ها به پاسدارها مرخصی نمی‌داده‌اند. او این‌طور ادامه داد:

«این را بگذارید کنار ادعای حمید نوری که می‌گوید چهار ماه در مرخصی بوده است.»

شاهد بعدی که یالمارشون به شهادتش پرداخت، فریدون نجفی آریا بود:

«او هم در شهادتش به نقش حمید نوری اشاره کرده و گفته که بدون چشم‌بند او را در نمایشگاه کتاب دیده است. او گفته

عباسی(نوری) بیش‌تر با ناصرین و لشکری بوده و جزئیات دیگری هم ارائه کرده است.»

رضا فلاحی شاهد بعدی‌ست که یوران یالمارشون درباره شهادتش صحبت کرد و جزئیات شهادت او را به‌خصوص در ارتباط با حمید نوری برجسته کرد.

نفر بعدی مورد نظر یوران یالمارشون اکبر صمدی است که در ۱۴ سالگی دستگیر و به ۱۰ سال زندان محکوم شده است. به گفته این وکیل مشاور، حرف‌های اکبر صمدی تایید کننده این موضوع است که حمید نوری به شکلی گسترده در اعدام زندانیان سیاسی نقش داشته است:

«من هیچ‌وقت روایت اکبر را فراموش نمی‌کنم... او از ایستادن در صف اعدام گفت و اینکه با مورش انگشتی و زدن

روی شانه نفر جلویی قصد داشته با او خداحافظی کند. یا وقتی هم‌نوا با دوستش با احساس سرود می‌خواند...»

یوران یالمارشون سپس به شهادت محمود رویایی پرداخت و گفت که او هم مثل ایرج مصداقی چندین کتاب نوشته که در مدارک دادگاه به آن‌ها استناد شده است. یالمارشون اطلاعاتی درباره کتاب‌های رویایی ارائه کرد و گفت که او در یک

سخنرانی (سال‌ها پیش از این دادگاه و دستگیری نوری) نام حمید نوری را آورده است و همین‌طور در یکی از کتاب‌هایش بارها نام عباسی را تکرار کرده است.

یوران یالمارشون سپس به پنج نفری پرداخت که ابتدا شاکی بوده‌اند و بعد نقششان به شاهد تغییر یافته است. او این بخش از لایحه خود را با منوچهر اسحاقی آغاز کرد که از همه زندانیان و شاهدان دادگاه جوان‌تر بوده. او را مجبور کرده بودند که به تماشای اعدام‌های زندان اوین بنشینند... او تماس‌های متعدد و مکرری با حمید عباسی (حمید نوری) داشته است و اعتقاد راسخ دارد که فرد بازداشت شده در این‌جا با نام نوری، همان عباسی است. حمید نوری به منوچهر اسحاقی مجوز داده است (در زندان اوین) که برود برای مسابقات فوتبال. او گفت همان نقشی که عباسی در اوین داشته را در زندان گوهردشت هم داشته است.

یوران یالمارشون سپس درباره حسین ملکی صحبت کرد و به برخی جزئیات شهادت او اشاره کرد. او گفت که بازجویی از حسین در سال ۲۰۱۹ انجام شده و وی خاطرات منحصر به فردی از برخورد با حمید نوری داشته است. یالمارشون سپس به مهدی اصلانی تبریزی‌پور اشاره کرد و شهادت وی را مرور کرد. رحمت علی کریمی شاهد بعدی بود که این وکیل مشاور درباره شهادتش صحبت کرد. آخرین نفری که یوران یالمارشون از او به عنوان شاکی‌ای که نقشش به شاهد تغییر یافته است نام برد، حمید اشتری بود:

«او هم چندین مرتبه با حمید نوری قبل، در حین و بعد از اعدام‌ها برخورد داشته است.»

یوران یالمارشون سپس به شهادت رحمان درکشیده پرداخت و گفت که او با حمید نوری در تهران همسایه بوده است. او از عباسی به عنوان دادستان در زندان گوهردشت یاد کرده است. یالمارشون سپس به شهادت برخی دیگر از شاهدان پرداخت و جزئیات مورد نظرش در این شهادت‌ها را با دادگاه در میان گذاشت.

وی در پایان جمع‌بندی این بخش از صحبت‌هایش را چنین بیان کرد که حمید نوری همان عباسی است، او در زندان گوهردشت کار می‌کرده و در اعدام زندانیان در این زندان نقش داشته است:

«من ۱۱ موکل دارم و تنها بر اساس حرف‌های این ۱۱ نفر قابل اثبات است که جرم اتفاق افتاده و قابل پیگیری است.»

یوران یالمارشون سپس به قانون جرایم، ماده ۲۳، بند چهار استناد کرد و گفت:

«طبیعی‌ست که ما حمید نوری را مجرم می‌دانیم. اختیار سازمانی و سمت او را باید در نظر گرفت. فعالیت‌ها و کارهایی که کرده و واکنش‌هایی که نشان داده ... یک برنامه مشترک ارتکاب جرم وجود دارد که حمید نوری در آن مشارکت داشته است. نتیجه‌گیری من با توجه به این حرف‌ها همان است که دادستان‌ها به آن رسیده‌اند:

«حمید نوری در درجه اول باید مجرم شناخته شود و بعد هم همان مجازات که خواسته شده برایش صادر شود.»

یالمارشون در ادامه گفت:

«فرقی نمی‌کند درگیری و نزاع نظامی پیش آمده میان سازمان مجاهدین خلق و جمهوری اسلامی بین‌المللی تلقی شود یا غیر بین‌المللی. موضوع این است که باید از زندانیان در سال ۱۹۸۸-۱۳۶۷ حفاظت می‌شده است. این امر فارغ از ماهیت نزاع رخ داده است و همه کارشناسان ما هم متفق‌القول همین نظر را داشتند. تنها نظر اوه برینگ در این مورد کمی متفاوت بود.»

یوران یالمارشون در بخش پایانی صحبت‌هایش گفت:

«وقت آن است که یک جمع‌بندی از این ۹۰ روزمان ارائه کنم. ما جان به در بردگانی داشتیم که معجزه‌آسا جان به در بردند. ۱۳ شاکی داریم که اقوامشان اعدام شده‌اند و ۱۳ کارشناس هم به‌عنوان متخصص این‌جا شهادت دادند. این‌جا از شکنجه‌ها شنیدیم، از کابل‌هایی که به کف پا زده شدند، از رفتارهای غیرقابل باوری که عوارض و جوانب آن‌ها تا به

امروز برای آسیب دیدگان و خانواده‌های قربانیان ادامه داشته است. این افراد کابوس می‌بینند و دچار اضطراب و افسردگی هستند و می‌گویند که این شرایط تا با پایان عمر با ایشان خواهد بود. برخی از آنان دست‌کم ۱۰ سال از دوران نوجوانی و جوانی خود را از دست داده‌اند. سارا روزدار برادرش عادل را از دست داد. ایرج مصداقی هر روز خودش را صرف این کرده که ثبت و ضبط بکند آنچه را که اتفاق افتاده است. محمود رویایی کتاب نوشته و هر روز برای سازمان خودش در آلبانی فعال بوده است... این لیست می‌تواند خیلی طولانی بشود اما قبل از اینکه من با یک نقل قول به صحبت‌هایم خاتمه بدهم، می‌خواهم درباره تم و مکانیزم انکار و تکذیب صحبت کنم. بحث است که چنین مکانیزمی در آدم‌ها وجود دارد و نشان می‌دهد برخی جرم‌ها آن قدر جدی هستند که خیلی خیلی سخت است آدم بخواهد اعتراف و اقرار بکند. این برعکس آن چیزی‌ست که بخواهیم بگوییم. یک مثال ساده و سراسر است بزنم: ... در ارتباط با دادگاه نورنبرگ یک متهم ۲۰ سال حبس گرفت. او در این دادگاه اعتراف نکرد و پیوسته انکار کرد. گفت ما اصلاً یهودیان را نکشته‌ایم و چنین و چنان و توانست از اعدام در برود. بعد که او آزاد شد در سال ۱۹۶۶ - این را هم بگویم که در آن دادگاه یک ژورنالیست جوانی بود که او خیلی مجذوب این "آلبرت" شد که مرد خوش‌تیپ، خوش‌صحت، باهوش و با تحصیلات بالا بود، او در هایدلبرگ رفت سراغ این آلبرت. ... وی ۱۰ سال روی کتابش کار کرد و بهترین کتابی‌ست که من خوانده‌ام. بخشی دارد این کتاب با عنوان «دروغ تمام عمرم». ... خلاصه این‌که وی بعد از آزادی هم تمام تلاشش را کرد تا دنیا را قانع کند که نقشی در این کشتار و فاجعه نداشته اما در پایان عمرش یک نیمچه اعترافی کرد. او گفت که احساس می‌کرده در اطرافش دارد اتفاق‌هایی برای یهودیان و اسرا می‌افتد. ... کتاب او قطور - است و او در روزهای پایانی عمرش و در آستانه مرگ آن اعتراف را می‌کند. این‌طور بگویم که در کتابش می‌نویسد اگر این آلبرت اعترافش را در دادگاه نورنبرگ کرده بود، به مرگ محکوم می‌شد. حرف این است که بعضی نمی‌توانند در مقابل بچه‌هایشان، در مقابل نوه‌هایشان، اعتراف کنند که چه آدم‌های ناخوشایند و بدجنسی هستند. حالا می‌خواهم با یک نقل قول صحبت‌هایم را تمام کنم: «نه ممنون! زندگی من دیگر از بین رفته.»

منوچهر اسحاقی بعد از این‌که از او سوالی را پرسیدند که از همه شاهدان پرسیده می‌شود (درباره درخواست مالی از دادگاه برای تامین هزینه‌های حضور و ایاب و ذهاب) این جواب را داد: این جمله‌ای‌ست که واقعا اضطراب و رنج زجر کشیدن و در آستانه مرگ بودن را نشان می‌دهد. باید امیدوار باشیم که برای بشریت دیگر هیچ‌وقت چنین اتفاقی نیفتد و هیچ دولت و هیچ فردی انسان‌ها را مجبور به پذیرفتن چنین شرایطی نکند. این آخرین جمله من بود. ممنون.»

با پایان صحبت‌های یوران پالمارشون، گیتا هدینگ وایبری، مودی را که قاضی توماس‌ساندر در مورد تاریخ انتشار یک کتاب تذکر داده بود اصلاح کرد و گفت تاریخی که او گفته درست نیست و تاریخ ارائه شده از سوی دادستان‌ها که رییس دادگاه به آن اشاره کرد صحیح است. در این مورد گفت‌وگویی میان قاضی و وکیل مشاور، گیتا هدینگ وایبری درگرفت و توماس‌ساندر تذکر داد که از این به بعد (احتمالاً برای پرونده‌های بعدی) از صفحه شناسنامه کتاب عکس گرفته شود. به این ترتیب اظهارات سه وکیل مشاور که وکالت شماری از شاکیان را بر عهده داشتند به پایان رسید.

سه وکیل در جلسه امروز دادگاه حمید نوری صحبت کردند و کنت لوییس، آخرین وکیل مشاور، صبح روز دوشنبه دوم مه - ۱۳ اردیبهشت لایحه خود را ارائه خواهد کرد. پس از آن وکیلان مدافع متهم فرصت خواهند داشت تا آخرین دفاع را از موکل خود بکنند.

آنان دفاع خود را از صبح روز سه‌شنبه سوم مه - ۱۳ اردیبهشت به دادگاه ارایه خواهند کرد.

دیروز دادستان گفته بود:

«اگر دادگاه به این نتیجه رسیده که درگیری غیر بین‌المللی بود ما خواسته دوممان را داریم و می‌گوییم ماده ۲۲۶ باز صدق می‌کند که دلالت دارد بر اجرای کمترین حفاظت بر اساس قانون عرف و اگر خلاف آن عمل شود باید مجازات شود. مثال‌های استفاده از این ماده رواندا و یوگسلاوی است.»

دادستان باید کرد قانون ۲۲۶ صدق می‌کند حتی اگر درگیری غیر بین‌المللی بوده و حمید نوری باید محکوم شود برای جنایت جنگی در سال ۱۹۸۸ از نوع درجه یک.

همچنین پیمان‌نامه ژنو پس از پایان جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۹ مورد تصویب قرار گرفته بود. بند چهارم این پیمان‌نامه حقوق مشخصی را برای اسرای جنگی در نظر گرفته است که نقض آن‌ها جنایت جنگی به حساب می‌آید. استدلال دادستان‌های پرونده حمید نوری با اتکا به بند چهارم پیمان‌نامه ژنو این است: با توجه به این نکته که سازمان مجاهدین خلق بخشی از منازعه مسلحانه بین‌المللی بین حکومت اسلامی ایران و حکومت صدام حسین بوده است، زندانی‌های هوادار سازمان مجاهدین خلق نیز در آن مقطع در زمره اسرای جنگی قرار می‌گیرند و باید کشتار دسته‌جمعی آن‌ها را «نقض فاحش قوانین بین‌المللی» به شمار آورد.

اگر دادگاه جرم حمید نوری را در ردیف نزاع‌های مسلحانه داخلی قرار می‌داد، طبق قوانین داخلی سویدن، امکان رسیدگی به جرم‌های حمید نوری وجود نداشت.

در پی اعلام درخواست دادستانی سویدن برای حبس ابد حمید نوری، متهم به دست داشتن در اعدام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت و با توجه به وضعیت امنیتی موجود، وزارت امور خارجه سویدن به شهروندان خود توصیه کرد از سفرهای غیرضروری به ایران خودداری کنند.

این توصیه از پنج‌شنبه ۲۸ آوریل ۲۰۲۲ اعمال شده است. دلیل این توصیه چنین اعلام شده که وضعیت امنیتی در ایران برای سویدنی‌ها و سایر اروپایی‌ها بدتر شده است. وزارت امور خارجه سویدن این وضعیت را حاصل افزایش روزافزون «اظهار ناراضایتی» خوانده و این‌که ایران به طرق مختلف از محاکمه جاری علیه یک شهروند ایرانی در سویدن انتقاد کرده است.

علاوه بر این، اخیراً چندین شهروند اروپایی بدون هیچ دلیل مشخصی در ایران بازداشت شده‌اند. آندره رومپکه، سخن‌گوی مطبوعاتی وزارت خارجه سویدن گفته، در مجموع، این مسایل باعث شده که وزارت امور خارجه مانند چندین کشور دیگر توصیه کند که شهروندان از سفر غیرضروری به ایران خودداری کنند.

وزارت خارجه سویدن افزود: حکومت اسلامی به طرق مختلف از محاکمه جاری یک شهروند ایرانی در سویدن انتقاد کرده است.

حکم نهایی دادگاه حمید نوری تا کنون صادر نشده و دادگاه او با ارائه دفاعیات پایانی متهم ادامه خواهد یافت.